

رابطه بین بهبود در نوع اظهارنظر حسابرسی با زمانبندی افشای اطلاعات مالی سالانه و میان دوره‌ای

زهره حاجیها

عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (نویسنده مسئول)

محمدرضا ابراهیمی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۷

چکیده

این پژوهش تاثیر بهبود و میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسی را بر زمانبندی افشای اطلاعات مالی سالانه و میان دوره‌ای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی می کند. فرض شده است که بهبود در اظهارنظر حسابرسی اخبار خوبی در مورد شرکت تلقی می شود. همچنین شرکت ها اخبار خوب را نسبت به اخبار بد زودتر گزارش می کنند. بنابراین انتظار بر این است که شرکتی که اظهارنظر حسابرسی آن نسبت به سال قبل بهبود داشته است، گزارش های مالی سالانه و میان دوره‌ای خود را زودتر منتشر کند. برای این منظور پنج فرضیه تدوین شد و مورد آزمون قرار گرفت. دو فرضیه اول زمانبندی اطلاعات مالی سالانه و دو فرضیه بعدی زمانبندی اطلاعات مالی میان دوره‌ای را مورد توجه قرار داده است. فرضیه پنجم نیز به مقایسه تاثیر انواع اظهارنظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی سالانه و میان دوره‌ای می پردازد. در پژوهش حاضر داده های مربوط به ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است که در آن برای تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آماری رگرسیون ترکیبی و پنل دیتا استفاده شده است. نتایج فرضیه های پژوهش نشان می دهد که نوع اظهارنظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی سالانه موثر است. همچنین بهبود در اظهارنظر حسابرسی شرکت باعث گزارشگری مالی سالانه سریع تر می شود. نتایج پژوهش نشان داد که نوع اظهارنظر حسابرسی و میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسی، تاثیر معناداری بر زمانبندی ارائه گزارش های مالی میان دوره‌ای دارد. براساس نتایج فرضیه پنجم نیز نشان داد که تاثیر انواع اظهارنظر حسابرسی بر گزارشگری مالی میان دوره‌ای، در مقایسه با تاثیر آن بر گزارشگری مالی سالانه، بیشتر است.

واژه های کلیدی: اظهارنظر حسابرسی، بهبود در اظهارنظر حسابرسی، افشای اطلاعات، گزارشگری مالی سالانه، گزارشگری مالی میان دوره‌ای.

۱- مقدمه

به موقع بودن گزارشگری مالی، از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری است. اطلاعات حسابداری دیر هنگام، در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی فاقد ارزش است (انسا^۱، ۲۰۰۰). به اعتقاد دایر و مک هیو^۲ (۱۹۷۵) به موقع بودن گزارشگری مالی، عنصر اصلی افشای کافی است و ارزش اطلاعاتی صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. وجود خبر نامطلوب در مورد شرکت و افشای سریع آن می‌تواند خطر سقوط ارزش شرکت را به همراه داشته باشد. سقوط ارزش شرکت باعث افزایش هزینه سرمایه و کاهش پاداش مدیران می‌شود. بگلی و فیشر^۳ (۱۹۹۸)، معتقدند که عامل پیشگفته می‌تواند برای مدیریت انگیزه‌های باشد که هنگام وجود اخبار بد، افشای اطلاعات صورت‌های مالی را به تاخیر بیندازد. بیور^۴ (۱۹۶۸) معتقد است که سرمایه‌گذاران، خرید و فروش سهام را تا زمان دستیابی به گزارش‌های مالی سالانه به تاخیر می‌اندازند.

مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با تسلط کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به طور بالقوه تلاش می‌کنند تصویری مطلوب از واحد تجاری ارائه دهند (کردستانی و بیگی لنگرودی، ۱۳۸۷) از این رو، در صورت وجود اخبار بد ناشی از نوع اظهارنظر حسابرس بر صورت‌های مالی، مدیریت ممکن است با تغییر زمان انتشار عمومی صورت‌های مالی، از انتشار به موقع این اخبار جلوگیری کند. حسابرسی تضاد منافع بین مدیران و مالکان واحد تجاری را کاهش می‌دهد (چن و همکاران^۵، ۲۰۱۰). حسابرسی همچنین ابزاری اطمینان بخش برای افزایش کیفیت صورت‌های مالی است که باعث می‌شود استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تصمیم‌های مناسب اتخاذ نمایند. این پژوهش به بررسی رابطه بین بهبود در نوع اظهارنظر حسابرس (یعنی یک نوع اخبار خوب در مورد شرکت) و زمان‌بندی افشای اطلاعات شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

این پژوهش به بررسی تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر زمان‌بندی افشای اطلاعات مالی سالانه و میان‌دوره‌ای می‌پردازد. در ادامه پس از ارائه مبانی نظری و مروری بر پژوهش‌های پیشین، روش پژوهش و نتایج آزمون فرضیه‌ها شرح داده شده است. در پایان نیز بر مبنای نتایج پژوهش پیشنهادها ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

به اعتقاد اوسو^۶ (۱۹۹۸) افشا، انتقال و ارائه اطلاعات اقتصادی اعم از مالی و غیرمالی، به صورت کمی یا سایر اشکال است که با وضعیت یا عملکرد مالی مربوط باشد. چنانچه افشا به

واسطه قوانین الزامی شده باشد، افشای الزامی و چنانچه تحت تأثیر قوانین خاصی نباشد، افشای داوطلبانه نامیده می‌شود.

هدف اصلی افشا، مطلع کردن تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران درباره مبلغ و زمان‌بندی جریان‌های نقدی آتی است، که این افشا به تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی سودهای آتی کمک می‌کند. بنابراین شفافیت و افشای بهتر برای سهامداران اطلاع‌دهندگی بهتری ایجاد می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که افشای خوب، دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران از سودهای سال‌های بعدی را بهبود می‌بخشد. به این معنی که شرکت‌های با سطح بالای افشا، نسبت به شرکت‌هایی که از سطح افشای پایین‌تری برخوردارند دارای رابطه قوی‌تری بین بازده سهام جاری و سودهای آتی هستند (جسپر و پلنبرگ^۷، ۲۰۰۸). به موقع بودن اطلاعات در دسترس از معیارهای اصلی برای کارایی تصمیمات در تخصیص منابع و رشد اقتصادی است. به موقع بودن به این مفهوم است که اطلاعات باید در کوتاه‌ترین زمان و به سریع‌ترین شکل ممکن در دسترس استفاده‌کنندگان قرارگیرد هرچه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی واحد تجاری کوتاه‌تر باشد، سودمندی حاصل از صورت‌های مالی حسابرسی شده سالانه واحد تجاری افزایش می‌یابد (مرادی و پورحسینی ۱۳۸۸).

در تحقیقات انجام شده قبلی، مهمترین عوامل موثر بر گزارشگری مالی به موقع و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی به شرح زیر عنوان شده‌اند:

اندازه شرکت، سودآوری، پیچیدگی عملیات و نوع صنعت، میزان ریسک یا خطر (اهرم)، عمر شرکت، تاریخ پایان سال مالی، میزان همکاری کارکنان صاحبکار با حسابرسان، بودجه زمانی حسابرسی، سیستم کنترل داخلی شرکت، وجود یا عدم وجود واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در شرکت، اندازه موسسه حسابرسی، تکنولوژی و فنآوری‌های مورد استفاده در شرکت و همچنین در مؤسسه حسابرسی، نوع و میزان خدمات ارائه شده به صاحبکار، عوامل محیطی (وضعیت اقتصادی، نرخ بهره، تورم، رقابت و ملاحظات سیاسی و قانونی)، سطح تجربه و تخصص و شخصیت حسابرس، وجود یا عدم وجود اقلام غیر مترقبه در شرکت، نوع اظهار نظر حسابرسی ارائه شده در مورد صورتهای مالی، وضعیت شرکت در بورس اوراق بهادار، تعداد سهامداران، وجود یا عدم وجود شرکت‌های فرعی و وابسته، و مواردی از این قبیل (اشتون و نیوتن^۸، ۱۹۸۹؛ کارزلو و کاپلان^۹، ۱۹۹۱؛ کولینان^{۱۰}، ۲۰۰۳).

نظریه علامت‌دهی بیان می‌کند که انتشار به موقع گزارش‌های مالی می‌تواند از دیدگاه سرمایه‌گذاران خبر خوب تلقی شود. یکی از معیارهای تعیین اخبار خوب، بهبود در گزارش

رابطه معنی دار وجود دارد. در این تحقیق بیان شده است که در صورت استفاده از موسسات حسابرسی بزرگ و بین المللی و پرداخت حق الزحمه اضافی به حسابرسان، مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی کاهش پیدا می کند. همچنین وجود اطلاعات و اخبار منفی بالقوه در شرکت، موجب طولانی شدن مدت زمان رسیدگی های حسابرسان می شود.

هاو و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۳) نمونه ای از گزارش های حسابرسی چین را از سال ۱۹۹۹ تا ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار دادند. آنها به دنبال بررسی روابط میان گزارش های حسابرسی و به موقع بودن افشای اطلاعات بودند. آنها دریافتند که هم سود غیرمنتظره و هم نوع اظهار نظر حسابرسی بر به موقع بودن افشای گزارش های مالی تاثیر می گذارد. شرکت های با سود غیرمنتظره مثبت و گزارش های مشروط گزارش های مالی خود را نسبت به شرکت های با سود غیرمنتظره منفی اما با گزارش مقبول، گزارش های مالی خود را دیرتر منتشر می کنند. به این معنا که نوع اظهار نظر، معیار قوی برای تعیین اخبار خوب یا بد تلقی می شود.

سلیمانی امیری و رحیمی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین به موقع بودن گزارشگری مالی و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با استفاده از داده های مربوط به ۱۴۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، نتایج پژوهش آنها نشان داد به موقع بودن گزارشگری مالی با بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معنی داری دارد.

حاجیها و احمدی (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر عملکرد مالی و اقتصادی بر ارائه به موقع صورت های مالی میان دوره ای در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها با استفاده از داده های ۷۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و روش داده های ترکیبی پولد، نتیجه گرفتند که شرکت هایی که عملکرد مالی و اقتصادی بهتری دارند، گزارش های مالی خود را زودتر و به موقع تر منتشر می کنند.

جامعی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی تاثیر عملکرد مدیران بر اظهار نظر حسابرس به این نتیجه رسیدند که معیار سود هر سهم بر گزارش حسابرس تاثیر گذار بوده، معیار سودآوری نیز بر بند شرط ثبت سرمایه گذاری به روش بهای تمام شده به جای ارزش ویژه تاثیر دارد. معیار های سود هر سهم، نرخ بازده دارایی ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام همگی بر بند تائیدیه گزارش مشروط حسابرس تاثیر دارد و با توجه به این یافته ها دریافتند که بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می شود. در نتیجه معیارهای

حسابرسی شرکت است. انتظار می رود مدیران شرکت هایی که نسبت به سال قبل گزارش حسابرسی بهتری دریافت می کنند، این خبر خوب را از طریق انتشار سریع تر گزارش های مالی به سرمایه گذاران منتقل کنند^{۱۱} (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

استانیسیک و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین تغییر حسابرس و نوع اظهار نظر حسابرس پرداختند. نمونه آنها بصورت شامل ۸۰۰ شرکت تولیدی بود که بصورت تصادفی انتخاب شد. آنها نشان دادند که شرکتهایی که در یک دوره گزارش مقبول دریافت کرده اند و در دوره بعدی حسابرس خود را تغییر داده اند، در مقایسه با شرکتهایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند، با احتمال کمتری در دوره بعدی گزارش مقبول دریافت می کنند.

سزنی و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۴) تاثیر بند توضیحی در گزارش حسابرس را بر رفتار سرمایه گذاران مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که سرمایه گذاران تفاوتی بین این نوع اظهار نظر با اظهار نظر مقبول قائل نمی شوند. معیار مورد استفاده آنها برای اندازه گیری واکنش سرمایه گذاران، بازده غیرعادی و حجم غیرعادی معاملات سه روزه بود. آنها همچنین نشان دادند که وقتی اظهار نظر حسابرس شامل بندی در مورد تعدیلات سنواتی گذشته است، حجم غیرعادی معاملات بیشتر است.

کولینان و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بهبود در اظهار نظر حسابرس و زمانبندی افشای اطلاعات در کشور چین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت ها اخبار خوب را خیلی سریعتر از اخبار بد گزارش می کنند. آنها همچنین دریافتند که شرکتهایی که اظهار نظر حسابرسی آنها نسبت به سال قبل بهبود یافته است، در مقایسه با سایر شرکت ها گزارش های مالی خود را زودتر افشا می کنند. این موضوع بستگی به میزان تغییر و بهبود ایجاد شده در اظهار نظر حسابرسی دارد.

لیونتیس و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۵) تحقیقی را در زمینه شناسایی دلایل طولانی شدن زمان ارائه گزارش های حسابرسی در مورد شرکتهای پذیرفته شده در بورس آتن انجام دادند. به عقیده آنها، طولانی شدن زمان صدور گزارش حسابرسی یکی از عوامل تاثیر گذار در ایجاد و توسعه بازارهای سرمایه در رابطه با شرکت است. به ویژه، زمانی که صورتهای مالی سالانه شرکت تنها منبع اطلاعات قابل اتکای سرمایه گذاران باشد. نتایج حاصل از اجرای آزمون های آماری نشان داد که بین طولانی شدن زمان ارائه گزارش حسابرسی شرکتها با اندازه مؤسسه حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی، تعداد و ماهیت بندهای گزارش حسابرسی شرکت، وجود یا عدم وجود اقلام غیر متر قبه در شرکت، و میزان ابهام در گزارش های حسابرسی شرکت

حسابداری عملکرد مدیریت اظهارنظر حسابرس را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

حاجیها و فتوحی مقدم بادی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین تغییر در اظهارنظر حسابرسی با تأخیر در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون های آماری انجام شده بر روی فرضیه های پژوهش نشان داد که تغییر در اظهارنظر حسابرسی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معنی داری دارد. در حالی که متغیرهای کنترلی پژوهش شامل هزینه دعای حقوقی، تغییر حسابرس، تجدید نظر یا تدوین استانداردهای حسابرسی، تصدی همزمان ریاست هیئت مدیره توسط مدیرعامل و اهرم مالی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معنی داری ندارند.

اسدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین ویژگیهای شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان دوره‌ای پرداختند. نتایج آنها نشان داد که اندازه شرکت و سودآوری رابطه معکوس معناداری با فاصله زمانی گزارشگری دارند، یعنی هر چه اندازه شرکت بزرگتر و سودآوری آن بیشتر باشد، گزارشگری آن به موقع تر خواهد بود. سایر متغیرها یعنی قدمت شرکت، رشد، اهرم و حجم معاملات سهام رابطه معناداری با فاصله زمانی گزارشگری ندارند. یافته های مذکور می تواند رهنمودهایی را برای پژوهش ها و تدوین مقررات آتی در رابطه با به موقع بودن گزارشگری مالی در ایران فراهم نماید.

اعتمادی و یار محمدی (۱۳۸۲) در بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که حجم معاملات سهام شرکتها در دوره های میانی، بر سرعت گزارشگری میان دوره‌ای آن ها تاثیر مثبت دارد، یعنی هرچه میزان معاملات در یک دوره بیشتر باشد، گزارش های آن دوره سریع تر در بازار منتشر شده است.

۳- فرضیه های پژوهش

نظریه علامت دهی اشاره می کند که اعلان به موقع سود می تواند برای سرمایه گذاران اخبار خوشی را نشان دهد. یکی دیگر از معیارهای اخبار خوش، بهتر شدن اظهارنظر در گزارش حسابرسی شرکت است. انتظار می رود مدیران شرکت هایی که گزارشی با اظهارنظر حسابرسی بهتری نسبت به سال قبل دریافت می کنند از طریق افشای به موقع سود، این اخبار خوش را به سرمایه گذاران مخابره نمایند. البته همواره انتظار می رود این روابط، صرف نظر از سود غیرعادی شرکت باشد. بنابراین فرضیه های پژوهش به این صورت بیان می شود:

فرضیه اول: بین نوع اظهارنظر حسابرس و به موقع بودن گزارشگری مالی سالانه شرکت ها ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: هرچه میزان بهبود در نوع اظهارنظر حسابرس بیشتر باشد، گزارشگری مالی سالانه به موقع تر انجام می شود.

فرضیه سوم: بین نوع اظهارنظر حسابرس و به موقع بودن گزارشگری مالی میان دوره‌ای ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: هرچه میزان بهبود در نوع اظهارنظر حسابرس بیشتر باشد، گزارشگری مالی میان دوره‌ای به موقع تر انجام می شود.

فرضیه پنجم: نوع اظهارنظر حسابرس، تاثیر بیشتر بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای در مقایسه با گزارشگری مالی سالانه دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش های اثباتی حسابداری قرار دارد. همچنین از آنجا که این پژوهش به بررسی رابطه بهبود در گزارش حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری اطلاعات شرکت می پردازد، از نوع توصیفی- همبستگی محسوب می شود. از لحاظ معرفت شناسی نیز از نوع تجربه گرا و سیستم استدلال آن استقرایی و نوع مطالعه آن میدانی- آرشویی است. همچنین به لحاظ نوع تحلیل آماری از نوع همبستگی بوده و از مدل های رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده می شود. در پژوهش همبستگی تلاش بر این است که رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی تعیین شود. در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از داده های مالی طبقه بندی و حسابرسی شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و با در نظر گرفتن ویژگی های زیر انتخاب شده اند.

۱) جامعه آماری در گروه شرکت های سرمایه گذاری یا

واسطه گری مالی نباشد.

۲) اطلاعات مورد نیاز در رابطه با شرکت ها از سال ۱۳۸۶

تا ۱۳۹۲ در دسترس باشد.

۳) قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران

پذیرفته شده باشد.

۴) طی فاصله زمانی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ سهام آن

معامله شده باشد.

۵) طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداشته

باشد.

برای نمونه گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده

است و در مجموع ۹۵ شرکت به عنوان نمونه در نظر گرفته شد

که شامل ۶۶۵ سال- شرکت است.

برای گردآوری داده‌های تحقیق نیز از سایت کدال و بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

مدل‌های این تحقیق با استفاده از پژوهش انجام شده توسط کولینان و همکاران (۲۰۱۲) به شرح ذیل است.

مدل ۱) به بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر و به موقع بودن گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌پردازد.

$$DEL_{i,t} = \alpha_1 + \beta_2 UOEXP_{t-1} + \beta_3 QO_{t-1} + \beta_4 QOEXP_{t-1} + \beta_5 DISC_{t-1} + \beta_6 UE_{i,t} + \beta_7 AS_{i,t} + \beta_8 DUAL_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۲) به بررسی تاثیر میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسان بر به موقع بودن گزارشگری مالی سالانه شرکت‌ها می‌پردازد.

$$DEL_{i,t} = \alpha + \beta_1 DIMP + \beta_2 OPNCHG + \beta_3 DIMP * OPNCHG + \beta_4 UE + \beta_5 AS + \beta_6 DUAL + \beta_7 LEV + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

DEL = تاخیر گزارش‌دهی سالانه است. این متغیر بیانگر میزان تغییر در زمان گزارشگری مالی شرکت است و به این صورت محاسبه می‌شود:

$$DEL_{i,t} = LAG_{i,t} - LAG_{i,t-1}$$

منظور از **LAG** فاصله بین پایان دوره مالی سالانه و زمان انتشار گزارش‌های مالی سالانه یا میان‌دوره‌ای است.

در پژوهش انجام شده توسط کولینان و همکاران (۲۰۱۲) از متغیرهای ذیل به عنوان متغیر مستقل جهت بررسی رابطه بهبود در اظهارنظر حسابرسان و گزارشگری به هنگام استفاده شده است.

متغیرهای مستقل

UOEXP = در صورتی که گزارش حسابرسان سال قبل شرکت، مقبول با بند توضیحی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

QO = در صورتی که گزارش حسابرسان سال قبل شرکت، مشروط باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

QOEXP = در صورتی که گزارش حسابرسان سال قبل شرکت، مشروط با بند تاکید بر مطلب خاص باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

DISC = در صورتی که گزارش حسابرسان سال قبل شرکت، عدم اظهارنظر باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

متغیرهای کنترلی

UE = سود غیرمنتظره

ها و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که گزارشگری سود غیرمنتظره منفی، غالباً با تاخیر انجام می‌شود. در این پژوهش برای اندازه‌گیری سود غیرمنتظره از تغییر در سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل استفاده می‌شود:

$$UE_{i,t} = (NI_{i,t} - NI_{i,t-1}) / TA_{i,t-1}$$

که در آن

NI_{i,t} سود خالص قبل از موارد غیر عادی برای شرکت **i** در سال **t** است.

TA_{i,t-1} کل دارایی‌ها برای شرکت **i** در سال **t-1** است.

AS = تغییر حسابرسان. در صورتی که حسابرسان شرکت در سال جاری تغییر کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

DUAL = در صورتی که مدیرعامل شرکت رئیس هیئت مدیره نیز باشد عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

LEV = اهرم مالی شرکت که از تقسیم بدهی‌ها به دارایی‌ها بدست می‌آید.

DIMP: بیانگر این است که آیا در گزارش‌های حسابرسان بهبودی وجود دارد یا خیر. مقدار این متغیر بستگی به مقدار متغیر **OPNCHG** دارد. اگر **OPNCHG** مثبت باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

OPNCHG: اختلاف میان گزارش حسابرسان قبلی و گزارش حسابرسان فعلی است که میزان بهبود در گزارش حسابرسان را اندازه‌گیری می‌کند. این روش توسط دیفاند^{۱۶} (۱۹۹۲) مطرح شده است. برای این منظور انواع گزارش حسابرسان با کدهای مختلف بشرح زیر مشخص شده است:

- ۱) گزارش مقبول
- ۲) گزارش مقبول با بند توضیحی
- ۳) گزارش مشروط
- ۴) گزارش مشروط با بند توضیحی
- ۵) عدم اظهارنظر

متغیر **OPNCHG** برابر اختلاف کدهای مربوط به گزارش حسابرسان سال جاری و سال قبل است و به این وسیله میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسان را بصورت کمی محاسبه می‌نماید. بنابراین مقادیر این متغیر اعداد (۱, ۲, ۳, ۴, ۰, ۱, ۲, ۳, ۴, -۱, -۲, -۳, -۴) می‌باشد و برای مثال (۴-۱=۳) بیان می‌کند که مسیر تغییر مثبت است و میزان تغییر عدد ۴ می‌باشد.

$$OPNCHG_{i,t} = AUDOPN_{i,t-1} - AUDOPN_{i,t}$$

که در آن:

$AUDOPN_{i,t}$ نشان دهنده اظهارنظر حسابرسی برای شرکت i در سال t است.
 $OPNCHG_{i,t}$ نشان دهنده بهبود در گزارش حسابرسی برای شرکت i در سال t است.
 $DIMP * OPNCHG$: متغیر تعاملی برابر حاصلضرب دو متغیر پیش گفته.

همان مدل بکاررفته برای فرضیه اول خواهد بود، با این تفاوت که برای اندازه‌گیری متغیر تاخیر گزارشگری (DEL)، از اطلاعات میان‌دوره‌ای شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود. در واقع تاخیر گزارشگری برابر فاصله بین پایان دوره گزارشگری میان دوره‌ای و تاریخ انتشار گزارش‌های میان دوره‌ای خواهد بود.

فرضیه چهارم به بررسی تاثیر میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسی بر به موقع بودن گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌ها می‌پردازد. برای آزمون فرضیه چهارم نیز از مدل بکار رفته برای آزمون فرضیه دوم استفاده می‌شود. با این تفاوت که برای اندازه‌گیری متغیر تاخیر گزارشگری (DEL)، از اطلاعات میان‌دوره‌ای شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود.

فرضیه پنجم به مقایسه تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر زمانبندی گزارشگری مالی سالانه و میان‌دوره‌ای می‌پردازد. برای این منظور معناداری تفاوت ضرایب متغیرهای انواع اظهارنظر در فرضیه اول و سوم از لحاظ آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر این تفاوت‌ها معنی‌دار باشد، فرضیه پنجم مورد تایید قرار می‌گیرد. برای این منظور لازم است از آزمون F استفاده شود. در صورتی که سطح معنی‌داری این آزمون کمتر از ۵ درصد باشد، به معنای معنادار بودن تفاوت ضرایب می‌باشد.

۶- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های تلفیقی استفاده شده است، که تلفیقی از داده‌های سری زمانی و مقطعی می‌باشد. همچنین از آزمون t برای بررسی معناداری ضرایب و آزمون F برای معناداری کل مدل استفاده شده است. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون ناپارامتریک کولموگروف-اسمیرنوف (KS) استفاده می‌شود. این آزمون برای بررسی مطابق بودن توزیع داده‌ها با توزیع خاص استفاده می‌شود. اگر سطح معنی‌داری این آزمون برای متغیری کمتر از ۵ درصد باشد، به این معناست که متغیر مذکور از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشد.

در جدول - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، بیشترین، کمترین، ضریب چولگی، ضریب کشیدگی و انحراف معیار ارائه شده است.

در صورتی که گزارش حسابرسی سال قبل شرکت، مقبول با بند توضیحی باشد، بیانگر این است که گزارش حسابرسی شرکت از گزارش مقبول با بند توضیحی به گزارش مقبول بهبود یافته است. بنابراین انتظار داریم این بهبود در نوع اظهارنظر باعث کاهش زمان گزارشگری مالی شرکت شود. انتظار می‌رود ضریب متغیر $UOEXP$ یعنی β_2 منفی و معنی‌دار باشد.

از طرفی تغییر نوع اظهار نظر از گزارش مشروط به گزارش مقبول، بیانگر میزان بهبود بیشتری است و انتظار می‌رود این بهبود در نوع اظهارنظر به کاهش بیشتری در زمان گزارشگری مالی منجر شود. بنابراین انتظار بر این است ضریب متغیر QO یعنی β_3 منفی و معنی‌دار و البته قدر مطلق آن بزرگتر از β_2 باشد.

بطور مشابه، این استدلال در مورد تغییر اظهار نظر از گزارش مشروط با بند توضیحی و عدم اظهارنظر به گزارش مقبول نیز وجود دارد. بنابراین انتظار داریم رابطه زیر بین ضرایب رگرسیون وجود داشته باشد:

$$\beta_5 < \beta_4 < \beta_3 < \beta_2 < 0$$

در صورتی که رابطه پیشگفته برقرار باشد و ضرایب رگرسیون معنی‌دار باشد، فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود.

در این پژوهش انتظار می‌رود که بهبود در اظهارنظر حسابرسی باعث کاهش زمان گزارشگری خواهد شد. بنابراین انتظار داریم که $\beta_1 < 0$ باشد. اگر میزان تغییر در اظهارنظر حسابرسی تاثیری بر تاخیر گزارشگری مالی نداشته باشد، $\beta_1 = 0$ و $\beta_2 = \beta_3 = 0$ خواهد بود. در صورتی که بهبود در اظهارنظر حسابرسی به کاهش تاخیر در گزارشگری مالی منجر شود، انتظار داریم $\beta_3 < 0$ باشد. در صورتیکه روابط پیشگفته برقرار و ضرایب رگرسیون معنی‌دار باشد، فرضیه دوم تایید خواهد شد.

با توجه به اینکه فرضیه سوم به بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر و به موقع بودن گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌ها می‌پردازد، مدل رگرسیون بکاررفته برای آزمون فرضیه سوم،

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	DEL پایان دوره	DEL میان دوره	UO	UOEXP	QO	QOEXP	DISC	DUAL	AS	LEV	UE	OPNCHG
تعداد مشاهدات	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵
میانگین	۰,۴۰۳	۰,۵۰۶									۰,۰۳۲	۰,۰۴۱
میانه	-۲	-۱									۰,۰۱۰	۰,۰۰۰
مد	۱	۲									۰,۰۱۰	۰,۰۰۰
حداقل	-۱۹۶	-۲۲									۰,۵۷۰	-۳
حداکثر	۲۰۰	۳۵									۰,۶۸۰	۳
ضریب چولگی	۰,۱۴۳	۰,۱۱۷									۰,۷۴۲	۰,۰۴۷
انحراف استاندارد	۰,۰۹۱	۰,۰۹۱									۰,۰۹۱	۰,۰۹۱
ضریب کشیدگی	۰,۲۱۷	۰,۳۱۹									۲,۹۳۸	۲,۰۲۲
انحراف استاندارد	۰,۱۶۷	۰,۱۶۷									۰,۱۶۷	۰,۱۶۷

همچنین جدول ۲- فراوانی انواع اظهار نظر حسابرسی شرکت‌های نمونه را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد بیشترین نوع اظهار نظر در شرکت‌های مورد بررسی به ترتیب اظهار نظر مقبول (۲۰۷ مورد) اظهار نظر مشروط با بند توضیحی (۱۴۷ مورد)، اظهار نظر مشروط (۱۲۷ مورد) و عدم اظهار نظر (۲ مورد) می‌باشد.

قبل از برازش الگو، آزمون تشخیصی F لیمر (چاو) برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی یا الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، با توجه سطح معناداری بدست آمده و همچنین با توجه به سطح معناداری قابل پذیرش که ۵ درصد می‌باشد، نتایج حاکی از رد شدن فرض H0 بوده یعنی الگوی داده‌های ترکیبی رد شده و برای انتخاب الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا تصادفی، لازم است آزمون هاسمن نیز انجام شود.

طبق جدول ۱، میانگین و میانه متغیرهای DEL پایان دوره و میان دوره نزدیک به هم می‌باشد که بیانگر نرمال بودن توزیع متغیر وابسته است. این موضوع در مورد سایر متغیرها نیز صدق می‌کند. حداقل و حداکثر متغیر DEL پایان دوره به ترتیب برابر ۱۹۶- و ۲۰۰ روز و حداقل و حداکثر متغیر DEL میان دوره به ترتیب برابر ۲۲- و ۳۵ می‌باشد. برای متغیرهای موهومی که مقدار صفر یا یک می‌گیرند، آمار توصیفی ارائه نشده است. حداقل و حداکثر متغیر OPNCHG به ترتیب برابر ۳- و ۳ می‌باشد. این مطلب بیانگر این است که بیشترین بهبود اظهار نظر حسابرسی در دوره زمانی پژوهش، تغییر از گزارش مشروط با بند توضیحی به گزارش مقبول است که بیانگر ۳ واحد بهبود می‌باشد. در واقع در طول دوره زمانی مورد بررسی تغییر از عدم اظهار نظر به اظهار نظر مقبول وجود نداشته است. همچنین میانه و مد این متغیر برابر صفر می‌باشد و نشان می‌دهد که در اکثر موارد، اظهار نظر حسابرسی شرکت‌های نمونه نسبت به سال قبل تغییری نداشته است.

جدول ۲- فراوانی انواع اظهار نظرهای حسابرسی شرکت‌های نمونه

سال	مقبول	مقبول با بند توضیحی	مشروط	مشروط با بند توضیحی	عدم اظهار نظر	تعداد کل
۱۳۸۶	۱۹	۲۳	۲۱	۳۲	-	۹۵
۱۳۸۷	۲۳	۲۲	۱۹	۳۱	-	۹۵
۱۳۸۸	۲۸	۲۰	۲۱	۲۶	-	۹۵
۱۳۸۹	۲۸	۲۲	۱۷	۲۷	۱	۹۵
۱۳۹۰	۳۲	۲۱	۱۸	۲۳	۱	۹۵
۱۳۹۱	۳۸	۱۹	۱۶	۲۲	-	۹۵
۱۳۹۲	۳۹	۲۰	۱۵	۲۱	-	۹۵
جمع	۲۰۷	۱۴۷	۱۲۷	۱۸۲	۲	۶۶۵

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر و نتایج آزمون هاسمن

نتایج آزمون هاسمن			نتایج آزمون F لیمر		
سطح خطا	آماره		سطح معناداری	آماره	
۰,۰۱۱	۸,۹۲۵	Period Random	۰,۰۰۰	-۷۱,۲۳۴	Period F

خطاهای مدل را پذیرفت (مومنی و قیومی، ۱۳۸۶). طبق نتایج جدول ۶ میزان آماره دوربین واتسون برای کلیه فرضیه‌ها در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته است و نشان می‌دهد می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را به عنوان یکی از مفروضات اصلی رگرسیون پذیرفت.

برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از شاخص پراکندگی^{۱۸} و عامل تورم واریانس^{۱۹} استفاده شد. هر چه پراکندگی کم باشد اطلاعات مربوط به متغیر کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می‌شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس پراکندگی بوده و هر چقدر افزایش یابد باعث می‌شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش‌بینی نامناسب می‌سازد. تجربیات عملی حاکی از این است که اگر عامل تورم واریانس (VIF) بزرگتر از عدد ۵ باشد، مبین وجود یک اخطار احتمالی است و در صورتی که بزرگتر از ۱۰ باشد، یک اخطار جدی را یادآور می‌شود و حکایت از آن دارد که ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت هم‌خطی چندگانه به صورت ضعیفی برآورد شده‌اند. وقتی پراکندگی نزدیک به صفر است، همبستگی چندخطی بالایی وجود دارد و انحراف استاندارد رگرسیون متورم خواهد شد. نتایج بررسی شاخص پراکندگی و عامل تورم واریانس در جدول ۵ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود شاخص پراکندگی و عامل تورم واریانس کلیه متغیرها نزدیک به یک می‌باشد و نشان می‌دهد مشکل همبستگی چندخطی وجود ندارد.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد شدن فرض H0 بوده. در نتیجه الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت ارجح است. بنابراین، از مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای برازش الگو استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها، داده‌های مربوط به ۹۵ شرکت نمونه طی بازه زمانی ۷ ساله پژوهش که مجموعاً شامل ۶۶۵ سال- شرکت است با استفاده از مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت مورد آزمون قرار می‌گیرد.

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون ناپارمتریک کولموگروف-اسمیرنوف (KS) استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود سطح معناداری این آزمون برای کلیه متغیرها بیشتر از ۵ درصد و نشان می‌دهد داده‌ها تقریباً از توزیع مناسبی برخوردار هستند. (توزیع داده‌ها نرمال است).

به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین-واتسون^{۱۷} استفاده می‌شود. به طور کلی آزمون دوربین واتسون همبستگی سریالی بین باقیمانده (خطا) های رگرسیون را آزمون می‌نماید. مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر می‌کند. اگر همبستگی بین مانده‌های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره باید نزدیک ۲ شود. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده‌ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده‌های متوالی است. به طور کلی اگر آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین

جدول ۴- نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (KS)

متغیرها	DEL	DEL	UO	UOEXP	QO	QOEXP	DISC	DUAL	AS	LEV	UE	OPNCH G
	پایان دوره	میان دوره										
تعداد مشاهدات	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵	۶۶۵
آماره Z	۲,۵۲۳	۶,۸۸۱	۲۴,۳۱۲	۱۶,۲۶۶	۱,۷۱۴	۲,۸۸۹	۲,۱۶۱	۳۱,۱۱۴	۷۰,۵۱۹	۴۴,۱۱۵	۱۹,۲۳۶	۱۲,۷۷۷
سطح معنی‌داری	۰,۱۶۲	۰,۲۱۱	۰,۴۴۱	۰,۳۳۶	۰,۱۴۲	۰,۰۹۲	۰,۱۶۶	۰,۵۵۶	۰,۹۷۱	۰,۷۷۴	۰,۶۲۱	۰,۱۱۴

جدول ۵- نتایج بررسی هم خطی بین متغیرهای مستقل

نام متغیر	شاخص پراکندگی Tolerance	عامل تورم واریانس VIF
UOEXP	0.82604	1.23543
QO	0.891425	1.10944
QOEXP	0.880673	1.12375
DISC	0.982024	1.01804
UE	0.881321	1.23543
AS	0.870365	1.14907
DUAL	0.974562	1.13478
LEV	0.913264	1.03247
Dimp	0.854879	1.21198
OPNCHG	0.923654	1.11547
Dimp * OPNCHG	0.964874	1.24154

شرکت، تاثیر معنی‌داری بر زمانبندی ارائه گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های نمونه در سال بعد دارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد.

با توجه به نتایج رگرسیون مدل چهارم، ضرایب کلیه متغیرها معنی‌دار است. یعنی میزان بهبود در اظهارنظر حسابرسی تاثیر معنی‌داری بر زمانبندی گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای در دوره بعد دارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه پنجم به مقایسه تاثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر زمانبندی ارائه گزارش‌های مالی سالانه و میان‌دوره‌ای می‌پردازد. برای این منظور ضرایب مدل پژوهش در فرضیه اول و سوم با استفاده از آزمون F و آماره t استیودنت مقایسه شد.

همانطور که مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری F برای کلیه متغیرها کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد تفاوت ضرایب در گزارشگری میان‌دوره‌ای و سالانه از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. این مطلب بیانگر این است که تاثیر نوع اظهارنظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای در مقایسه با گزارشگری مالی سالانه بیشتر است.

در جدول ۶ ضرایب رگرسیون ارائه شده است. مقدار P- Value ارائه شده در این جدول بیانگر معناداری ضرائب رگرسیون است. اگر این مقدار برای هر متغیر کمتر از ۵ یا ۱۰ درصد باشد، ضریب مربوط به آن متغیر به ترتیب در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد معنی‌دار است. در غیر این صورت ضرایب رگرسیون معنی‌دار نیست.

با توجه به نتایج رگرسیون مدل اول در جدول 7، ضرایب کلیه متغیرها معنی‌دار است. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود و می‌توان گفت ارتباط معناداری بین نوع اظهارنظر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی وجود دارد. به این معنا که وقتی اظهارنظر حسابرسی شرکت به اظهارنظر مقبول نزدیک است، گزارش‌های مالی سالانه شرکت به‌موقع‌تر منتشر می‌شود. وقتی اظهارنظر حسابرسی شرکت به عدم اظهارنظر نزدیک می‌شود، گزارش‌های مالی سالانه شرکت با تاخیر منتشر می‌شود.

با توجه به نتایج رگرسیون مدل دوم، ضرایب کلیه متغیرها معنی‌دار است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود و می‌توان گفت ارتباط معناداری بین میزان بهبود در نوع اظهارنظر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی وجود دارد. به این معنی که شرکتی که اظهارنظر حسابرسی آن نسبت به سال قبل بهبود داشته است، گزارش‌های مالی سالانه خود را نسبت به سال‌های قبل، به‌موقع‌تر منتشر کرده است.

با توجه به نتایج رگرسیون مدل اول، ضرایب کلیه متغیرها معنی‌دار است. یعنی نوع اظهارنظر حسابرسی پایان سال

جدول ۶- نتایج برازش مدل‌های پژوهش

فرضیه چهارم			فرضیه سوم			فرضیه دوم			فرضیه اول			متغیر مستقل
P-Value	ضریب		P-Value	ضریب		P-Value	ضریب		P-Value	ضریب		
			0.036	-0.042	β_2				0.006	-0.031	β_2	UOEXP
			0.041	-0.047	β_3				0.010	-0.036	β_3	QO
			0.011	-0.049	β_4				0.049	-0.037	β_4	QOEXP
			0.044	-0.055	β_5				0.036	-0.049	β_5	DISC
0.036	-0.214		0.026	-0.119		0	-0.119		0.000	-0.126		UE
0.015	-0.136		0.016	-0.177		0	-0.146		0.001	-0.197		AS
0.011	0.116		0.033	0.216		0.046	0.097		0.008	0.037		DUAL
0.002	0.088		0.048	-0.033		0.039	0.036		0.012	-0.027		LEV
0.001	-0.62	β_1				0.003	-0.98	β_1				Dimp
0.022	-0.012	β_2				0.018	-0.065	β_2				OPNCHG
0.002	-0.018	β_3				0.029	-0.168	β_3				Dimp * OPNCHG
1.921			1.855			2.148			2.247			آماره دوربین - واتسون
0.21			0.36			0.29			0.36			ضریب تعیین تعدیل شده
6.235			11.322			6.814			6.218			آماره F
0.002			0.003			0.003			0.002			سطح معنی داری

جدول ۷- نتیجه مقایسه تاثیر انواع اظهارنظر بر زمانبندی گزارشگری مالی سالانه و میان دوره‌ای

متغیر مستقل	ضریب	گزارشگری سالانه	گزارشگری میان دوره‌ای	سطح معنی داری F
UOEXP	β_2	-۰,۰۳۱	-۰,۰۴۲	۰,۰۱۴
QO	β_3	-۰,۰۳۶	-۰,۰۴۷	۰,۰۳۵
QOEXP	β_4	-۰,۰۳۷	-۰,۰۴۹	۰,۰۱۶
DISC	β_5	-۰,۰۴۹	-۰,۰۵۵	۰,۰۴۳

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی تاثیر بهبود و بهبود بیشتر در اظهارنظر حسابرسی بر زمانبندی افشای اطلاعات مالی سالانه و میان دوره‌ای پرداخته است. پژوهش‌های قبلی نشان داده است که زمانبندی افشای اطلاعات از ویژگی‌های مهم موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری است (انسا، ۲۰۰۰). برای بررسی این موضوع، پنج فرضیه تدوین شد. فرضیه اول بیان می‌کند که بین نوع اظهارنظر حسابرسی و تاخیر در گزارشگری مالی سالانه ارتباط معناداری وجود دارد. استدلال این فرضیه مبتنی بر این موضوع است که شرکت‌ها اخبار خوب را سریع‌تر گزارش می‌کنند. از طرفی نوع اظهارنظر حسابرسی می‌تواند اخبار خوب یا بد برای شرکت تلقی شود. دریافت اظهارنظر مقبول اخبار خوب و اظهارنظر مشروط، مردود و عدم اظهارنظر اخبار بد تلقی می‌-

شود. بنابراین انتظار می‌رود شرکتی که گزارش مقبول دریافت می‌کند گزارش‌های مالی خود را سریعتر منتشر کند تا تاثیر این اخبار خوب را زودتر بر روی سهام خود مشاهده کند. اما شدت اخبار منتشره در مورد شرکت متغیر است. به عنوان مثال گزارش مردود نسبت به گزارش مشروط اخبار بدتری تلقی می‌شود. بنابراین فرضیه دوم این پژوهش به بررسی تاثیر شدت نوع اخبار منتشره در مورد شرکت می‌پردازد. فرضیه دوم بیان می‌کند که هرچه میزان بهبود در نوع اظهارنظر حسابرسی بیشتر باشد، گزارشگری مالی سالانه زودتر انجام می‌شود. این مطلب بیانگر این موضوع است که شرکت‌هایی که نسبت به سال قبل گزارش بهتری دریافت می‌کنند تمایل دارند گزارش‌های مالی سالانه خود را سریع‌تر منتشر کنند. بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش این موضوع را

که تاثیر نوع اظهار نظر حسابرسی را بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای اندازه‌گیری می‌کند. همچنین فرضیه چهارم نیز همانند فرضیه دوم است و به بررسی تاثیر میزان بهبود در اظهار نظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای می‌پردازد. نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم حاکی از تایید این دو فرضیه است. در واقع نتایج پژوهش نشان می‌دهد ارتباط معنی‌داری بین نوع اظهار نظر و میزان بهبود در اظهار نظر حسابرس با زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای وجود دارد.

در فرضیه پنجم پژوهش به مقایسه تاثیر نوع اظهار نظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای در مقایسه با گزارشگری مالی سالانه پرداخته شد و مشخص شد تاثیر نوع اظهار نظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای در مقایسه با گزارشگری مالی سالانه بیشتر است. این مطلب با این موضوع مطابقت دارد که گذشت زمان مربوط بودن اطلاعات را کاهش می‌دهد. به همین دلیل تاثیر نوع و بهبود اظهار نظر حسابرسی بر زمانبندی گزارشگری مالی میان دوره‌ای بیشتر از تاثیر آن بر زمانبندی گزارشگری مالی پایان سال است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو بوده است که باعث می‌شود نتایج آن با احتیاط بیان شود. مهمترین محدودیت‌هایی که این پژوهش با آنها رو به رو بوده است، در ادامه مطرح شده است:

عدم توجه به ساختار راهبری شرکت‌ها:

در این پژوهش سازوکارهای راهبری شرکت‌ها در نظر گرفته نشده است. می‌توان گفت علت تاخیر افشای اطلاعات در برخی از شرکت‌ها صرفاً نوع اظهار نظر حسابرسی نبوده است. بلکه ضعف سیستم‌های اطلاعاتی و عدم کارایی نیروی انسانی باعث تاخیر در ارائه گزارش‌های مالی شده است که در این پژوهش نادیده گرفته شده است.

تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی از سوی حسابرس:

موسسه‌های حسابرسی حجم کار متفاوتی دارند. ممکن است موسسه‌ای به دلیل حجم کار زیاد نتواند به موقع گزارش حسابرسی را برای شرکت‌های مورد رسیدگی منتشر کند. بنابراین در این موارد تاخیر ارائه گزارش‌های مالی از جانب شرکت نبوده و موسسه حسابرسی باعث این تاخیر بوده است. موسسه‌های حسابرسی بزرگتر به احتمال زیاد حجم کار بیشتری دارند و بنابراین ممکن است نسبت به سایر موسسه‌های حسابرسی گزارش‌های خود را با تاخیر منتشر کنند. در این پژوهش این موضوع نادیده گرفته شده است.

تایید کرد. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی بهتری دریافت می‌کنند، گزارشگری مالی سالانه سریعتری دارند. همچنین بهبود در نوع اظهار نظر حسابرسی به گزارش سریعتر اطلاعات مالی سالانه منجر می‌شود. کولینان و همکاران (۲۰۱۲) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. آنها نشان دادند که شرکت‌ها اخبار خوب را خیلی سریعتر از اخبار بد گزارش می‌کنند. هاو و همکاران (۲۰۰۳) نیز نوع اظهار نظر حسابرسی را بر زمانبندی گزارشگری مالی موثر دانسته‌اند.

نتایج تحقیق با نتایج آذرین و همکاران (۲۰۰۳) نیز مطابقت دارد. آنها نیز با استفاده از سوددهی یا زیاندهی شرکت به عنوان معیاری برای اخبار خوب یا بد در مورد شرکت، به نتایج مشابهی دست یافتند. آنها نشان دادند که سوددهی یا زیاندهی شرکت، بر مدت زمان انجام حسابرسی موثر است. بنابراین زمانبندی گزارشگری مالی نیز تحت تاثیر سوددهی یا زیاندهی شرکت قرار دارد.

نتایج پژوهش حاجیا و فتحي مقدم بادی (۱۳۹۳) نشان داد که تغییر از اظهار نظر های مقبول و مقبول با بند توضیحی به سایر اظهار نظرها رابطه معنی داری با تاخیر در گزارشگری مالی نداشته و تنها تغییر از اظهار نظر مشروط به اظهار نظر مقبول با بند توضیحی یا بالعکس رابطه معنی دار ضعیف و منفی با متغیر وابسته تحقیق (تاخیر در گزارشگری مالی) دارد. در حالی که در پژوهش حاضر وقتی اظهار نظر حسابرسی شرکت به اظهار نظر مقبول نزدیک است، گزارش‌های مالی سالانه شرکت به موقع تر منتشر می‌شود. وقتی اظهار نظر حسابرسی شرکت به عدم اظهار نظر نزدیک می‌شود، گزارش‌های مالی سالانه شرکت با تاخیر منتشر می‌شود. و نیز وقتی اظهار نظر حسابرسی نسبت به سال قبل بهبود داشته است، گزارش‌های مالی سالانه خود را نسبت به سال‌های قبل، به موقع تر منتشر کرده است. مضافاً اینکه، این پژوهش علاوه بر بررسی تاثیر بهبود و میزان بهبود در اظهار نظر حسابرسی را بر زمانبندی افشای اطلاعات مالی سالانه به بررسی تاثیر بهبود و میزان بهبود در اظهار نظر حسابرسی را بر زمانبندی افشای اطلاعات مالی سالانه به بررسی تاثیر بهبود در اظهار نظر حسابرسی را بر زمانبندی افشای اطلاعات مالی میان دوره‌ای و نیز مقایسه آنها پرداخته است. که نتایج آن نشان داد، نوع اظهار نظر حسابرسی و میزان بهبود در اظهار نظر حسابرسی، همچون زمانبندی ارائه گزارش‌های مالی سالانه، تاثیر معناداری بر زمانبندی ارائه گزارش‌های مالی میان دوره‌ای دارد. همچنین تاثیر انواع اظهار نظر حسابرسی بر گزارشگری مالی میان دوره‌ای، در مقایسه با تاثیر آن بر گزارشگری مالی سالانه، بیشتر است.

این پژوهش دو فرضیه دیگر را مورد آزمون قرار داده است. فرضیه سوم پژوهش که همانند فرضیه اول است با این تفاوت

فهرست منابع

- * Adzrin, R. and Ahmad, R., (2003), Audit Delay and Timeliness of Corporate Reporting Malaysian Evidence, university of Technology, Malaysian. Working Paper, Available at: <http://www.researchgate.net/publication/242086429>.
- * Ansah, S. O., (2000), "Timeliness of corporate financial reporting in emerging capital markets: empirical evidence from the Zimbabwe stock Exchange", Accounting and Business Research. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=215929> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.215929>
- * Ashton, R.H., Graul, P.R. and J. D. Newton, (1989), "Audit delay and the timeliness of corporate reporting" Contemporary Accounting Research. Available at: www.researchgate.net/publication/242086429
- * Beaver, W. H., (1968), The information content of annual earnings announcements, empirical research in accounting: Selected studies, Journal of Accounting Research. Supplement, 67-92.
- * Begley, J., & Fischer, P. E., (1998), Is there information in an earnings announcement delay? Review of Accounting Studies. Vol 3, pp 347-363. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=167151>
- * Carslaw, C., Kaplan, S.E., (1991), "An Examination of Audit Delay: Further Evidence from New Zealand", Accounting and Business Research. Available at SSRN <http://www.researchgate.net/publication/232995165>
- * Chen, C. J. P., Su, X., & Wu, X., (2010), Auditor changes following a big 4 merger with a local Chinese firm: A case study. Auditing: A Journal of Practice & Theory Available at <http://dx.doi.org/10.2308/aud.2010.29.1.41>
- * Cullinan, Charles P., Wang, Fangjun, Yang, Bei, Junrui Zhang, (2012), Audit opinion improvement and the timing of disclosure, Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting, 28 333-343
- * Cullinan, C.P., (2003) "Competing Size Theories and Audit Lag: Evidence from mutual fund audits" Journal of Academy of Business. Journal of the American Academy of Business, Cambridge Volume 3, Issue 1/2, page 183-189.
- * Czerney Keith, Jaime J. Schmidt and Anne M. Thompson, (2014), Do Investors Respond to Explanatory Language Included in Unqualified Audit Reports? Electronic copy available at: Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2446708> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2446708>
- * DeFond, M., (1992), The association between changes in client firm agency costs and auditor switching, Auditing: A Journal of Practice and Theory. Vol (11), 1, pp. 16-31.
- * Dyer, J. C., & McHugh, A. J., (1975), The timeliness of the Australian annual report, Journal of Accounting Research. (13), 2 (Autumn), pp. 204-219.
- * Haw, G., Park, K., Qi, D., & Wu, W., (2003), Audit qualification and timing of earnings announcements: Evidence from China, Auditing: A Journal of Practice and Theory. Volume 22, Issue 2, available at: <http://dx.doi.org/10.2308/aud.2003.22.2.121>
- * اسدی غلامحسین، باغومیان رافیک و جواد کامرانی، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میاندوره‌های، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- * اعتمادی حسین و یار محمدی اکرم، (۱۳۸۲)، بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، ص ۸۷-۹۹.
- * جامعی رضا، هلشی مهران و حاجی عبدی عبدالله، (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر عملکرد مدیران بر اظهارنظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال نوزدهم، شماره ۷۰، ص ۱-۱۴.
- * حاجیها زهره و احمدی مهدیه، (۱۳۹۲)، رایبه به موقع صورت های مالی میان دوره ای: بررسی تاثیر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۱۷۳-۱۵۰.
- * حاجیها زهره و فتحی مقدم بادی مجتبی، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین تغییر در اظهارنظر حسابرسی با تأخیر در گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۴۱، ص ۱۳۳-۱۵۶.
- * سلیمانی امیری غلامرضا و رحیمی تمرین عاطفه، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین به موقع بودن گزارشگری مالی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۲۱-۳۵.
- * کردستانی غلامرضا و امیر بیگی لنگرودی حبیب، (۱۳۸۷)، محافظه کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۲، ص ۸۹-۱۰۶.
- * مرادی مهدی و پورحسینی سیدمهدی، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین برخی ویژگی‌های مالی و غیرمالی و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری، شماره اول، ص ۱۶۸-۱۸۵.

- * Jesper, B. and T. Plenborg, (2008), Value relevance of voluntary disclosure in the annual report, Accounting and Finance. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1131466> or <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-629X.2007.00240.x>
- * Leventis, S., P. Weetman, and C. Caramanis, (2005), "Determinants of Audit Report Lag: Some Evidence from the Athens Stock Exchange", International Journal of Auditing. Vol. 9, No. 1, pp. 45-58
- * Owusu-Ansah, S., (1998), The impact of corporate attributes on the extent of mandatory disclosure and reporting by listed companies in Zimbabwe. The International Journal of Accounting. Volume 33, Issue 5, 1998, Pages 605-631.
- * Stanišić, Nemanja, Zoran Petrović, Kosana Vićentijević and Vule Mizdraković, (2014), Auditor Switching and Qualified Audit Opinion: Evidence from Serbia. The 2014 Proceedings of The first international Conference Sinteza, Belgrade. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2429784>

یادداشت‌ها

1. Ansah
2. Dyer & McHugh
3. Begley & Fischer
4. Beaver
5. Chen et. al
6. Owusu
7. Jesper & Plenborg
8. Ashton & Newton
9. Carslaw & Kaplan
10. Cullinan
11. Cullinan et. al
12. Stanisic et. al
13. Czerney et. al.
14. Leventis et. al
15. Haw et. al
16. Defond
17. Durbin-Watson
18. Tolerance
19. Variance Inflation Factor
20. Adzrin et. al